

An Examination of the Condition Implicit in the Marriage Contract Regarding the Wife's Obligation to Obey Her Husband in the Choice of Attire

Ali Bolouri¹

Mohammad Roshan²

Fatemeh Abiri³

(Received on: 2025-07-30; Accepted on: 2025-11-07)

Abstract

In traditional and Muslim societies, women's veiling and modest dress constitute significant and influential issues within the context of family life and spousal relations. Accordingly, many men select their spouses based on criteria related to attire and, following marriage, expect their wives to observe a particular type or standard of dress. Given the importance of the issue of women's covering and hijab, spouses may reach an agreement in this regard either through an explicit stipulation within the marriage contract or through an implied mutual understanding. Islamic jurisprudence and positive law remain silent on the validity or invalidity of such an agreement. Therefore, the present study, employing a descriptive-analytical method, seeks to address the following questions: Can a husband, by invoking an explicit or implied condition, obligate his wife to adhere to a specific form of dress? And is such a condition legally valid? The findings of this research indicate that the choice of attire is a right that the wife may, within the limits prescribed by Islamic law, transfer to another party. The legal opinions (fatwas) of certain jurists, which affirm the wife's authority in selecting her type of dress, lend support to the validity of the aforementioned condition. From a legal standpoint, the condition is also deemed valid; however, its breach carries no specific sanction, and only civil liability may be contemplated for the party in violation.

Keywords: Condition implicit in the marriage contract, Wife's attire, Obligation to obey the husband, Right versus legal ruling in the choice of dress.

1. Ph.D. Candidate in Private Law, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: aliboloori608@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Private Law, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m-roshan@sbu.ac.ir

3. Ph.D. Candidate in Private Law, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: f_abiri@sbu.ac.ir

بررسی شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش

علی بلوری^۱

محمد روشن^۲

فاطمه عبیری^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶]

چکیده

در جوامع سنتی و مسلمان، پوشش و حجاب بانوان از مسائل مهم و تأثیرگذار در بستر خانواده و روابط زوجین محسوب می‌شود. بر همین اساس بسیاری از مردان با توجه به معیار پوشش، همسر خود را انتخاب می‌کنند و پس از ازدواج نیز خواستار رعایت نوع یا کیفیت خاصی از پوشش از سوی همسرشان هستند. با توجه به اهمیت موضوع پوشش و حجاب بانوان، زوجین ممکن است در این باره در قالب شرط ضمن عقد یا شرط بنایی با یکدیگر توافق کنند. در فقه و حقوق موضوعه دربارهٔ صحت یا بطلان این موضوع تصریحی وجود ندارد؛ از این رو نگارندگان در این مقاله کوشیده‌اند با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهند که آیا زوج می‌تواند با استناد به شرط صریح یا بنایی، زوجه را مکلف به رعایت نوع خاصی از پوشش کند؟ آیا چنین شرطی معتبر است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد انتخاب نوع پوشش، حقی است که زوجه می‌تواند آن را در حدود شرع به دیگری انتقال دهد. فتوای برخی فقیهان دربارهٔ اختیار زوجه در انتخاب نوع پوشش، مؤید صحت شرط پیش گفته است. از نظر حقوقی نیز این شرط صحیح است؛ اما نقض آن، ضمانت اجرای مشخصی ندارد؛ تنها می‌توان برای فرد ناقض، مسئولیت مدنی در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: شرط ضمن عقد نکاح، پوشش زوجه، الزام به اطاعت از شوهر، حق یا حکم بودن انتخاب پوشش.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پژوهشکدهٔ خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)

aliboloori608@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، پژوهشکدهٔ خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران m-roshan@sbu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پژوهشکدهٔ خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران f_abiri@sbu.ac.ir

مقدمه

کیفیت و چگونگی پوشش افراد یکی از شئونات انسانی است که از زمان پیدایش انسان تاکنون موضوعیت داشته و مورد توجه بوده است؛ خداوند متعال در سوره «اعراف»^۱ و هنگام بیان داستان اخراج آدم و حوا از بهشت، فروریختن لباس آن دو و برهنه شدن اندامشان را عقوبت سرپیچی از فرمان الهی و خوردن میوه درخت ممنوعه دانسته است. این موضوع عقوبتی بود که خداوند برای آنان در نظر گرفته بود و آن دو پس از این عقوبت به دنبال پوشاندن اندام خود با برگ درختان برآمدند. پس از آن نیز افراد با توجه به نوع عقاید دینی، فرهنگ جامعه و سلیقه خود، پوششی را انتخاب می‌کردند. دین اسلام اصل پوشش و حجاب را واجب دانسته است و رعایت آن را در حدود شرعی لازم می‌داند (اعراف ۷: ۲۶)؛ لباس را پاسخ‌دهی به اشتیاق انسان‌ها در پوشاندن اندام خود (جنبه حفاظتی) و مؤثر در زیبایی انسان‌ها (کارکرد زیبایی شناختی) معرفی می‌کند و آن را سبب زینت دانسته است (احتسابی، ۱۳۸۸ هـ. ش، ص ۵۷). با این وجود اسلام، انسان‌ها را در انتخاب نوع پوشش آزاد می‌داند.

انسان در دوره زندگی خود ممکن است تعهداتی را بپذیرد که اراده وی را محدود یا سلب کند؛ یکی از این تعهدات، عقد نکاح است. دین اسلام، احکام و قیودی را برای ازدواج قرار داده است که زوج یا زوجه مکلف به تبعیت از آن هستند؛ با این وجود، اسلام اجازه توافقی بر شروط صحیح (مطابق با ویژگی‌های این شروط) را برای زوجین قرار داده است. یکی از شروط محل بحث و بررسی، شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش است. همان‌طور که بیان شد، زوجه درباره انتخاب نوع پوشش اختیار دارد؛ اما ممکن است ضمن عقد نکاح توافق کند که باید نوع خاصی از پوشش را داشته باشد. در فقه و حقوق موضوعه، هیچ تصریحی درباره اعتبار یا عدم اعتبار این شرط وجود ندارد؛ اما می‌توان غیرمستقیم چنین امری را از آن استنباط کرد.

در بیان پیشینه پژوهش باید گفت پژوهش‌های متعددی در انواع شروط ضمن عقد انجام پذیرفته است؛ اما درباره شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب پوشش پژوهشی انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر دارای نوآوری است که برای نخستین بار انجام می‌پذیرد. مقاله حاضر با هدف بررسی صحت یا عدم صحت این شرط و امکان سنجی الزام زوجه به شرط پیش گفته نگاشته شده است. این پژوهش، از نوع بنیادین است که با بررسی کتاب‌ها و مقاله‌های موجود و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این مقاله ابتدا به بررسی تاریخچه پوشش پرداخته می‌شود و پس از آن صحت یا بطلان این شرط از لحاظ فقهی - حقوقی و امکان الزام زوجه به شرط مورد توافق بررسی می‌گردد.

۱. تاریخچه پوشش

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، پوشش افراد قدمتی به درازای حیات انبای بشری دارد؛ حتی نخستین انسان‌ها با استفاده از برگ درختان یا پوست حیوانات به دنبال پوشاندن اندام‌های خود بوده‌اند. بعدها نیز با شکل‌گیری تمدن‌های بزرگ، پوشش‌های مختلفی در طول تاریخ برای انسان‌ها وضع گردید که این پوشش‌ها متأثر از فرهنگ و سنن هر قوم و ویژگی‌های جغرافیایی محل سکونت آنان بوده است. بنابراین لزوم داشتن پوشش و انتخاب لباس اصلی است که انسان‌ها در طول تاریخ آن را پذیرفته‌اند؛ با این وجود، با توجه عوامل گوناگون فرهنگی و اجتماعی، کیفیت و چگونگی پوشش افراد در طول تاریخ با تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری روبرو شده است (خدادادی سنگده و احمدی، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۹)؛ در نتیجه پوشش زنان افزون بر مسائل شرعی و حقوقی که به دنبال دارد، دارای جنبه‌ای تاریخی نیز می‌باشد.

بررسی تاریخی این مسئله به شناخت هرچه بیشتر موضوع شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش کمک می‌کند؛ به همین دلیل در این بخش تاریخیچه مختصری از پوشش زنان در دو بخش پیش و پس از اسلام را بیان می‌کنیم.

۱-۱. پوشش زنان پیش از اسلام

اسلام را نمی‌توان واضع و مبدع حجاب برای زنان دانست، بلکه پیش از ظهور اسلام نیز در جوامع مختلف بحث حجاب و پوشیدگی برای زنان وجود داشته است؛ برای مثال در سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید هیچ‌گاه تصویر زن یا حتی مردی برهنه مشاهده نمی‌شود. اما نکته مهم اینجاست که در هیچ جامعه‌ای نوع پوشش زنان و مردان یکسان نبوده است و زنان در انتخاب پوشش خود با محدودیت‌های بیشتری روبرو بوده‌اند.

گفتنی است در طول تاریخ و در میان اقوام مختلف، ظلم‌های بسیاری به بهانه حفظ پوشش بر زنان روا داشته شده است و کارآمدی نیمی از جمعیت هر منطقه نادیده انگاشته شده است؛ همچنین رفته‌رفته زنان به انزوا کشیده شده و از فعالیت‌های اجتماعی طرد شده‌اند. این موضوع به ظهور اسلام و قواعد حجاب در میان مسلمانان بر نمی‌گردد، بلکه از قرن‌ها پیش از ظهور اسلام چنین مسائلی در میان مردم وجود داشته است؛ از جمله در میان قوم یهود، زن حائض موجودی پلید انگاشته می‌شد و هیچ‌کس در این دوران با وی معاشرت نمی‌کرد؛ حتی زنان را در ایام حیض به منظور دفع پلیدی از خانه بیرون می‌راندند (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۲۱).

علل مختلفی در طول تاریخ سبب شده است تا زنان در انتخاب پوشش خود با محدودیت‌های بیشتری مواجه شوند. نخستین علت را می‌توان تأمین امنیت اجتماعی برای زنان دانست. در گذشته، ثروتمندان و حاکمان در هر کجا که زن زیبارویی می‌دیدند،

خواهان وی می‌شدند و گاه به اجبار یا پرداخت مبلغی به خانواده زن، با تصاحب او، زن را در خیل زنان خود وارد می‌کردند؛ از این رو هر کسی که زن یا دختر زیبارویی داشت، به دلیل حفظ امنیت ناموس خود، وی را به انتخاب پوشش‌هایی مجبور می‌کرد که تا حد ممکن تمام اندام و چهره وی را بپوشاند یا او را به اندرونی خانه می‌انداخت و از جامعه دور نگاه می‌داشت (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۴۴). افزون بر این، مردان خود را مالک زنان می‌دانستند و به دنبال تسلط بر روی آنان بودند و حفظ پوشش را دستاویزی قرار می‌دادند تا زنان حضور کم‌رنگ‌تری در اجتماع داشته باشند.

یکی دیگر از دلایل مهم تأثیرگذار در ایجاد محدودیت درباره پوشش بانوان، وجود حس حسادت درون مردان بوده است. حسادت احساسی است که به دنبال آن فرد نمی‌خواهد هیچ مرد دیگری گرچه از طریق سخن‌گفتن یا نگاه کردن از همسر او بهره‌مند شود (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۵۳). چنین شخصی در ارتباط همسر خود با محارمش نیز حساس است و در صدد اعمال هرگونه محدودیت خواهد بود تا کسی جز خودش به هیچ طریقی با همسرش ارتباط نداشته باشد. مرد حسود تنها به احساس خودخواهی خود و محدود کردن همسرش از طریق وضع مقررات سختگیرانه پوششی می‌اندیشد.

۲-۱. پوشش زنان پس از اسلام

پس از ظهور اسلام، قوانین و مقرراتی در رابطه با پوشش زنان مسلمان وضع شد. باید توجه داشت که پیش از اسلام، در میان اعراب جاهلیت مسئله حجاب و پوشیدگی زن وجود نداشت و اسلام این قوانین و مقررات را برای نخستین بار در میان اعراب وضع کرد (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۹). اما آنچه اسلام تحت عنوان مقررات مربوط به پوشش بیان می‌کند، تنها بیان حدود پوشش برای زنان بوده است و حجاب سختگیرانه‌ای که منجر

به محدودیت در انجام فعالیت‌های اجتماعی زنان شده است، از اواخر قرن نخست و اوایل قرن دوم هجری تحت تأثیر ارتباط اعراب با سایر فرهنگ‌ها رواج یافت. همچنان‌که در طول تاریخ اسلام، زنان بزرگی چون حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) با وجود حفظ عفاف خود در اجتماع حضور داشتند و با بیان خطبه‌های آتشین خود، نقشی بزرگ در تاریخ برای خود رقم زده‌اند. این مثال‌ها نشان می‌دهد که اسلام با وضع مقررات پوشش هیچ‌گاه به دنبال ایجاد محدودیت برای زنان نبوده است (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۴۸).

اسلام در وضع مقررات حجاب، هیچ‌گاه به علل تاریخی وجود حجاب در میان سایر اقوام و محدود کردن زن توجه نداشته است، بلکه یکی از علل وضع حجاب پاسخ به حس غیرت مردان بوده است. متأسفانه برخی از افراد حس غیرت مردان را مترادف با حس حسادت در نظر می‌گیرند؛ در حالی که این دو متفاوت از یکدیگر هستند. غیرت، احساسی اجتماعی و نوعی پاسبانی است که به منظور مشخص بودن نسل‌ها و جلوگیری از اختلاط آن درون مردان نهادینه شده است. انسان غیور با وجود انسان حسود نه تنها در صدد حمایت و حفاظت از ناموس خود است، بلکه زن و ناموس دیگران نیز برایش ارزشمند است و هیچ نگاه ناپاکی به آنان نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۵۵).

با توجه به اینکه عرف هر جامعه تأثیر بسیاری در تعیین نوع پوشش افراد آن جامعه دارد (درزی و همکاران، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۸۹)، اسلام نیز در وضع احکام و مقررات مربوط به حجاب و پوشش زنان به این موضوع توجه داشته است. به این ترتیب احکام مربوط به پوشش زنان را در دو بخش متفاوت صادر کرده است؛ بخش نخست احکام ناظر به پوشش همسران پیامبر (ص) و بخش دیگر احکام ناظر به پوشش سایر زنان جامعه است (درزی و همکاران، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۸۶). در این راستا بخشی از آیات سوره مبارکه «احزاب» دربرگیرنده احکام ویژه‌ای مربوط به همسران پیامبر (ص) است؛ این آیات به علت جایگاه اجتماعی بالای

امهات مؤمنان و جلوگیری از سوء استفاده از آنان وضع شده بوده است که امروزه وجوب رعایت این احکام منقضی شده اند؛ از جمله آیه ۳۲ این سوره ۳ که همسران پیامبر (ص) را از طنازی و نرمش های زنانه در کلام منع می کند یا آیه ۵۳ این سوره ۴ که دستور می دهد مردم از پشت پرده با همسران پیامبر (ص) ارتباط داشته باشند (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۵۵ - ۱۵۷).

اسلام درباره وضع احکام و مقررات حجاب و پوشش دیگر زنان جامعه نیز به این ترتیب عمل کرده است که نخست تکلیف رعایت پوشش را بر عهده مردان قرار داده است. در آیه ۳۰ سوره «نور» مردان از چشم چرانی منع و به این ترتیب دعوت به پاکدامنی شده اند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...». سپس در آیه ۳۱ سوره «نور» همین حکم به زنان اختصاص یافته و بیان شده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۸۰). آیه ۳۱ سوره «نور» افزون بر منع چشم چرانی، در ادامه کیفیت پوشش را نیز برای زنان بیان می کند و می فرماید: «...وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...»؛ مقصود از این حکم، پوشیده بودن سروگردن زنان است و به زنان حکم می شود تا روسری های خود را به گونه ای قرار دهند که سینه و گریبان آنان را نیز پوشش دهد (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۳۹). در همین راستا، تمام فقیها نوجوب پوشیدن غیروجه و کفین را برای تمام زنان ضروری دانسته اند.

افزون بر آیه ۳۱ سوره «نور»، در آیه ۵۹ سوره «احزاب» نیز خطاب به زنان و دختران پیامبر (ص) و زنان مؤمن امر شده است جلباب های خویش را به خود نزدیک کنند: «...عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبٍ...». بسیاری از مفسران، جلباب را نوعی چادر یا روسری بزرگ دانسته اند که زنان در بیرون از خانه آن را می پوشیدند. این آیه از زنان می خواهد به گونه ای در جامعه حضور یابند که از تعرض اشخاص مزاحم مصون بمانند. شهید مطهری معتقد بودند هدف این نیست که زن لزوماً با چادر در اجتماع حضور یابد، بلکه رفتار و منش وی در بیرون از خانه بایستی با وقار و به گونه ای باشد که کسی اجازه ایجاد مزاحمت به خود ندهد (مطهری، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۶۲).

فلسفه اینکه خداوند افزون بر منع چشم چرانی، تکلیف پوشش را نیز بر عهده زنان قرار داده است، به خلقت ویژه زن برمی گردد. میل به خودآرایی و خودنمایی در زنان وجود دارد و این میل درون مردان نیست؛ چراکه هیچگاه مردی را با لباس های بدن نما یا آرایش های تحریک کننده مشاهده نمی کنیم، بلکه زن تمایل دارد با خودآرایی مرد را مجذوب خود کند (مطهری، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۳۱).

شایان ذکر است که احکام مربوط به حجاب در قرآن، مطلق بیان نشده اند و در برخی موارد با تعدیل هایی روبرو شده است؛ از جمله اینکه رعایت حدود شرعی حجاب صرفاً به زنان آزاده مسلمان اختصاص داشته است تا بیان کننده شأن و مقام بالای این زنان بوده باشد (درزی و همکاران، ۱۳۹۸ ه. ش، ص ۸۶). کنیزان و زنان غیرمسلمان می توانستند بدون حجاب از خانه خارج شوند (قافی، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۳۲). افزون بر این آیه ۶۰ سوره «نور» ۵ نیز زنان سالخورده ای را که امیدی به داشتن شوهر ندارند، از رعایت حجاب معاف می کند و به آنان این مجوز را می دهد تا بدون رعایت حجاب بتوانند در مقابل هر مردی حاضر شوند (مطهری، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۵۲).

آنچه درباره احکام پوشش زن در اسلام دارای اهمیت است، این است که با وجود بیان حدود پوشش، انتخاب نوع آن بر عهده خود افراد گذاشته شده است و این انتخاب از موارد بسیاری تاثیر می پذیرد؛ حتی مجتهدان نیز پوشش چادر را برای زنان واجب نمی دانند، بلکه آن را به مثابه حجاب برتر معرفی کرده اند.

۲. پوشش زن در بستر خانواده

همان طور که پیش تر اشاره شد، یکی از مسائل مورد بحث در ازدواج بین زوجین ممکن است مربوط به شیوه پوشش زوجه باشد. خانواده جایگاهی است برای تکامل زن و مرد. اسلام با اینکه به انسجام و یکپارچگی در محیط خانواده توجه دارد، استقلال و کرامت

ذاتی زن و مرد را نیز در این بستر پذیرفته است. تمام افراد جامعه از این کرامت و استقلال برخوردارند و پذیرش زندگی مشترک نبایستی به این کرامت خللی وارد آورد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰هـ.ش، ص ۱۳۳). متأسفانه برخی از آقایان با وضع مقرراتی در خصوص نوع پوشش و آرایش همسر خود، هرگونه استقلال و حق انتخابی را از زوجه سلب می‌کنند.

اصل استقلال اعضای خانواده و اصل آزادی از جمله اصول ناظر بر اعضای خانواده است. براساس این اصول، پیوند زناشویی و تشکیل زندگی مشترک نبایستی موجب سلب استقلال هیچ‌یک از زوجین شود و یکی از آنها را تحت سیطره و تسلط دیگری قرار دهد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰هـ.ش، ص ۱۳۶). همچنین باید توجه داشت که در رابطه با امور عفاف، اصلی تحت عنوان اصل تحفظ بیان می‌شود. احکام پوشش زنان و حرمت نگاه به نامحرم در چارچوب همین اصل بیان شده است و موجب تحکیم بنیان خانواده می‌گردد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰هـ.ش، ص ۱۴۳)؛ اما آنچه اهمیت دارد، این است که اصل تحفظ بایستی از جانب هر دوی زوجین رعایت گردد و نمی‌توان یک جانبه تنها یکی از آنان را ملزم به رعایت این اصل کرد.

افزون بر این اصول، اسلام بر حفظ تحکیم خانواده و تقدم اخلاق بر حقوق در بستر خانواده توجهی ویژه دارد. وضع قوانین سخت‌گیرانه درباره طلاق در مقایسه با شرایط انعقاد عقد نکاح مانند وجوب حضور دو شاهد در هنگام اجرای صیغه طلاق، گواه اهمیت حفظ و تحکیم خانواده است (مهدوی‌کنی، ۱۳۹۲هـ.ش، ص ۸). سخت‌گیری به زوجه درباره پوشش وی سبب سردی روابط زوجین می‌شود و اصل حفظ و تحکیم خانواده را تهدید می‌کند. طبیعت خانواده و روابط اعضای آن به گونه‌ای است که حقوق به‌تنهایی نمی‌تواند تنظیم‌کننده آن باشد؛ به همین دلیل در نظام خانواده، اخلاق بر حقوق مقدم می‌شود. عشق و مودت، مهربانی و حسن نیت عناصری ضروری است که بایستی در بستر خانواده رعایت گردد (مهدوی‌کنی، ۱۳۹۲هـ.ش، ص ۹). با توجه به همین موضوع شایسته است

زوجین با توجه به اخلاقیات و حفظ کرامت ذاتی زن با یکدیگر درباره شیوه پوشش زوجه توافق کنند و سخت گیری در این باره جایز نیست.

اجبار زن به اینکه پوشش و آرایش خاصی داشته باشد، اهانت به حیثیت انسانی زن تلقی می شود. در واقع بین اینکه زن را مجبور به داشتن پوششی خاص کنیم یا وی را در خانه محبوس نماییم با اینکه زن به هنگام مواجهه با مرد بیگانه پوشیده باشد، تفاوت وجود دارد. اسلام با وضع قوانین پوشش به دنبال محبوس کردن و اسارت زن نبوده است، بلکه آن را وظیفه ای بر عهده زن قرار داده است تا در معاشرت با مردان کیفیت خاصی را در پوشش خود رعایت کند. وظیفه حجاب منافاتی با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی زن ندارد و تجاوز به حقوق طبیعی وی تلقی نمی شود. این وظیفه از ناحیه مرد نبایستی بر زن تحمیل گردد (اسعدی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۳۲۰).

شیوه پوشش بانوان به فرهنگ موجود در خانواده ایشان و همچنین باورها و اعتقادات مذهبی ایشان بستگی بسیاری دارد. رعایت حجاب اسلامی نیازمند داشتن باور عمیق مذهبی است و مؤلفه مذهب در بحث حجاب اهمیت بسیاری دارد. از منظر روان شناسی، داشتن باور و اعتقادات مذهبی صرف در رعایت حجاب مؤثر نیست؛ چراکه امروزه خانم های بسیاری را مشاهده می کنیم که با وجود داشتن اعتقادات مذهبی، در بحث پوشش چندان پایبند به مقررات موجود نیستند. تصویر ذهنی افراد از خود که عمدتاً در دوران نوجوانی شکل می گیرد، عامل روانی مهمی در انتخاب نوع پوشش افراد است؛ همچنین وجود برخی باورهای غلط پیرامون حجاب موجب شده است دختران از پذیرش آن خودداری کنند؛ برای مثال بسیاری از جوانان با نگاه به گذشته و نسل های قبلی خود، پذیرش حجاب را عاملی می دانند که سبب می شود محدودیت های دیگری برایشان ایجاد گردد (داعی پور، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۶۹).

اسلام در رابطه با آرایش و زینت نیز زنان را تشویق به آراستگی و زینت بخشی خود برای شوهران کرده است. اسلام مزاح و ملاحبه زن و شوهر و آراستگی آنان را مستحب می‌داند. زنی که در آرایش و زینت خود برای شوهر کوتاهی کند، مانند مردی است که در ارضای نیازهای همسرش کوتاهی نماید و نکوهش شده است (مطهری، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۴۰). آراستگی و زینت زوجین موجب می‌شود نیازهای آنان در بستر خانواده پاسخ داده شود و به سمت روابط فرازنشویی تمایل پیدا نکنند؛ حتی مردان مسلمان نیز به زینت و پاکیزگی دعوت شده‌اند تا همسرانشان به آنها راغب شوند. فقیهان معاصر آرایش ملایمی را که موجب مفسده نگردد، مانند سرمه کشیدن را بلا اشکال دانسته‌اند.

۳. بررسی فقهی و حقوقی شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش

۳-۱. بررسی فقهی شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش

۳-۱-۱. حق یا حکم بودن انتخاب نوع پوشش

برای بررسی حق یا حکم بودن انتخاب نوع پوشش برای افراد شایسته است ابتدا به تعریف حق و حکم بپردازیم. حق در معنای عام، نوعی سلطه و استیلا برای اشخاص در برابر چیزی خواه مال و خواه شخص است. در معنای خاص نیز باید حق را توانایی خاص برای انجام دادن عملی بدانیم که گاه به عین و گاه به شخص تعلق می‌گیرد. بر همین اساس حق را در حقوق معاصر به حق عینی و حق دینی تقسیم می‌کنند (محقق داماد، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۲۰). یکی از جامع‌ترین تقسیم‌بندی‌ها از حق را محقق نائینی بر مبنای قابلیت اسقاط و قابلیت نقل و انتقال حقوق ارائه داده‌اند. ایشان تمام اقسام حق را قابل اسقاط می‌دانند؛ اما معتقدند قابلیت نقل و انتقال حق درباره بعضی از حقوق چون حق تحجیر وجود دارد و در خصوص بعضی دیگر از حقوق چون حق قذف منتفی است (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸ هـ.ش، ص ۱۰۷).

حکم در لغت به معنای امر و دستور است و در اصطلاح به خطاب شارع مقدس به افعال انسان اطلاق می‌گردد و در تعریفش بایستی گفت: «خِطَابُ الشَّرْعِ الْمُتَعَلِّقُ بِأَفْعَالِ الْمُكَلَّفِينَ». سه ویژگی بارز در حکم وجود دارد که موجب تمیز آن از حق می‌گردد؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: الف) عدم قابلیت اسقاط حکم؛ ب) عدم قابلیت نقل و انتقال حکم به اسباب انتقال قهری و ارادی؛ ج) عدم امکان تعهد به سلب حکم (محقق داماد، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۲۲). با توجه به ویژگی عدم تعهد به سلب حکم درمی‌یابیم که درباره احکامی چون حق ابوت نمی‌توان تعهدی داشت و آن را از خود سلب کرد. اما در رابطه با حقوق این محدودیت وجود ندارد و اشخاص می‌توانند علیه حقوق خود تعهد داشته باشند و یکی از حقوق خود را اعمال نکنند.

انتخاب نوع پوشش نیز حقی است که برای هر شخص اعم از زن و مرد وجود دارد. آنچه در قرآن تحت عنوان احکام حجاب برای زنان وضع شده است، تنها بیان حدودی است که زنان در شیوه پوشش خود بایستی رعایت کنند. انتخاب نوع و رنگ پوشش نیز حقی است که برای زنان در نظر گرفته شده است. با توجه به حق بودن این موضوع، امکان تعهد به سلب آن وجود دارد و زنان می‌توانند این حق را از خود سلب کنند و به همسرانشان عطا نمایند. سلب این حق تا زمانی که منجر به محبوس شدن و سلب سایر آزادی‌های زن نشود، بلا اشکال است؛ اما اگر این موضوع حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت ذاتی زن را خدشه دار نماید، با اصول حقوق بشری در تعارض قرار می‌گیرد (اسعدی، ۱۳۹۱ هـ.ش، ص ۳۲۰).

۳-۱-۲. نظر فقیهان درباره الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش

با توجه به اینکه شرط ضمن عقد مورد بحث ما مانند سایر شروط ضمن عقد چون شرط تعیین مسکن، شرط حق اشتغال زوجه و... از جمله شروط مبتلا به و رایج نیست، فتوای

خاصی در این باره وجود ندارد؛ اما فقیهان در برخی موارد درباره لزوم یا عدم لزوم اطاعت از شوهر در رعایت حجاب، فارغ از اینکه در قالب شرط ضمن عقد باشد یا خیر، فتاوایی دارند که چند نمونه از آنها به شرح ذیل است:

الف) آیت الله مکارم شیرازی انتخاب نوع حجاب را مشروط بر شرعی بودن بر عهده زن گذاشته‌اند و اجبار در این باره را جایز نمی‌دانند. ایشان معتقدند اگر زنی حدود پوشش شرعی را رعایت کند، شوهر تنها وظیفه امر به معروف و نهی از منکر با زبانی خوش و لحنی ملایم دارد؛ حتی اگر مؤثر واقع نشود، گناهی متوجه شوهر نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۰۱).
 ب) امام خمینی (ره) نیز در یکی از فتاوای خود به مردان اجازه نداده‌اند تا در رابطه با کوتاه شدن یا نشدن موی همسرانشان تصمیم‌گیری کنند، بلکه تنها از خانم‌ها خواسته شده است مراعات حال همسرشان را در این باره داشته باشند (خمینی، ۱۴۰۱).

ج) آیت الله خامنه‌ای نیز نظری مشابه دو فقیه دیگر داشته‌اند و معتقدند مسئله حجاب و پوشش زن ربطی به دستور یا نهی شوهر ندارد، بلکه حکم خداست؛ از این رو در جایی که رعایت آن واجب است، زن ملزم به رعایت حجاب است و در جایی که وجوبی وجود ندارد، رعایت حجاب واجب نیست، هر چند شوهر راضی نباشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱).

در مجموع فقیهان در حالتی نصیحت‌گونه زنان را دعوت کرده‌اند تا به منظور جلوگیری از بروز اختلافات خانوادگی، نظر شوهر خود را درباره پوشش خود در نظر داشته باشند. البته اگر شوهر امر به ترک حجاب واجب کند، دیگر اطاعت از وی را جایز نمی‌دانند. با توجه به این موارد می‌توان نتیجه گرفت که فقیهان تأکید بر حفظ حس مودت و مهربانی در روابط بین زوجین دارند و حکم محکمی مبنی بر لزوم اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش و آرایش ندارند، بلکه حجاب را حکمی الهی می‌دانند که اجبار در این باره از سوی شوهر جایز نیست.

۳-۲. بررسی حقوقی شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش

۳-۲-۱. بطلان یا صحت شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش

عقد نکاح در عرف جامعه ما به پیوند زناشویی بین یک زن و یک مرد اطلاق می شود که از جمله عقود معین برشمرده شده در قانون مدنی نیز به شمار می رود. از آنجاکه ازدواج همجنس‌گرایان در کشور ما به رسمیت شناخته نشده است و مخالف با نظام عمومی است، افراد به طور ضمنی تفاوت در جنسیت طرفین را شرط انعقاد عقد نکاح می دانند. همین تفاوت در جنسیت متعاقدين عقد نکاح گاه منجر به ایجاد برخی نابرابری‌ها میان طرفین می گردد. در چنین شرایطی، شروط ضمن عقد نکاح می توانند ابزار مناسبی برای تنظیم عقد و ایجاد تعادل میان حقوق متعاقدين قرار گیرند؛ برای مثال دکتر دینانی شرط ضمن عقد وکالت زوجه در طلاق را ابزار مناسبی برای تعدیل نابرابری زن و مرد در امر طلاق و یک جانبه بودن آن می دانند (دینانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۱۲۶).

زوجین در زمان انعقاد عقد نکاح بنا بر ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، می توانند هر شرطی که خلاف مقتضای عقد نکاح نباشد را در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری درج کنند. این شروط توافقاتی تابع عقد نکاح اصلی هستند که زوجین پیش از انعقاد عقد به آنها دست یافته اند و با بطلان یا انحلال عقد اصلی، آنها نیز از بین می روند. درج شروط ضمن عقد نکاح موجب مشروط یا معلق شناخته شدن عقد نکاح نمی شود، بلکه عقد نکاح به صورت منجز واقع شده و صرفاً برخی تعهدات فرعی و تبعی جدای از ارکان و عناصر اصلی عقد به آن افزوده می شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۷۴).

با چشم پوشی از ماهیت و کارکرد شروط ضمن عقد نکاح، مطابق قواعد عمومی قراردادها، شروط ضمن عقد به طور کلی بر سه قسم به شرح زیر می شوند:

الف) شروط صحیح: ماده ۲۳۴ قانون مدنی شروط صحیح را به سه دسته شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل اثباتاً یا نفیاً تقسیم کرده است. در عقد نکاح نیز خیار شرط دربارهٔ صداق و خیار تخلف از شرط صفت را می‌توان مصادیق شرط صحیح برشمرد (صفایی، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۲۰۵ - ۲۰۸).

ب) شروط صرفاً باطل: این دسته از شروط باطل هستند، اما خللی به صحت عقد اصلی وارد نمی‌کنند و در ماده ۲۳۲ قانون مدنی احصاء شده‌اند. براساس این ماده، شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد، شرطی که انجام آن نفع و فایده نداشته باشد و شرط نامشروع جزء شروط صرفاً باطل قلمداد می‌شوند (صفایی، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۲۰۱ - ۲۰۳).

شایان ذکر است که شهید ثانی هر آنچه موافق با شرع باشد را قابل شرط در ضمن عقد نکاح و شروط مخالف با شرع را صرفاً باطل دانسته است. شروط صرفاً باطل به صحت عقد نکاح و مهر خللی وارد نمی‌آورند (امینی و آیتی، ۱۴۰۰ هـ.ش، ج ۲، ص ۱۵۲).

ج) شروط باطل و مبطل عقد: شرطی که خلاف مقتضای ذات عقد باشند و شروط مجهولی که موجب جهل در برابر عوضین شوند (دسته دوم دربارهٔ عقد نکاح موضوعیتی نخواهد داشت)، شرط باطل و مبطل برشمرده می‌شوند (صفایی، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۲۰۳ - ۲۰۴).

برای بررسی شروط باطل و مبطل ضروری است ابتدا واژه «مقتضی» را تعریف کنیم و دریابیم که چه چیزی مقتضی ذات عقد نکاح است. دکتر شهیدی مقتضی را اثری می‌داند که عقد بدون وجود این اثر محقق نمی‌شود؛ به گونه‌ای که عقد بالذات تولیدکننده آن است و این اثر از عقد جدا نمی‌شود (شهیدی، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۱۱۲ - ۱۱۳). دکتر کاتوزیان مقتضی را چیزی دانسته‌اند که شارع آن را وضع کرده است تا ماهیت عقد معین شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۱۶۳). دکتر جعفری لنگرودی نیز هر عاملی که مؤثر باشد و در صورت عدم مانع بتواند منشأ اثر شود را مقتضی ذات عقد دانسته است (جعفری لنگرودی،

۱۳۹۷ هـ. ش، ص ۷۰۸). در نتیجه می‌توان مقتضی ذات عقد را هدف یا اثر بلاواسطه‌ای بدانیم که به محض انعقاد عقد حاصل می‌گردد.

با توجه به سکوت قانون‌گذار در تعریف عقد نکاح و اختلاف دکترین در تعریف این عقد، طبیعتاً تعیین مقتضی ذات عقد نکاح نیز دشوار است. این امر نیز موضوعی اختلافی است و هر کدام از نویسندگان حقوقی موضوعات مختلفی را به مثابه رکن اصلی و مقتضی ذات عقد نکاح معرفی کرده‌اند. برای تعیین مقتضی ذات عقد نکاح بایستی قانون، شرع و عرف را مدنظر قرار داد و با توجه به آنها مقتضی ذات این عقد را تعیین کنیم. معمولاً مواردی چون تشکیل خانواده و زندگی مشترک، تمتع جنسی و عشق‌ورزی در جایگاه رکن اصلی و مقتضی ذات عقد نکاح معرفی شده‌اند (باباپور و همکاران، ۱۳۹۰ هـ. ش، ص ۷۵).

واضح و مشخص است که تعیین تکلیف درباره نوع پوشش زوجه و اطاعت زوجه از شوهر در این امر، رکن اصلی و مقتضی ذات عقد نکاح نیست. بنابراین شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش و آرایش نمی‌تواند جزء شروط باطل و مبطل عقد نکاح تلقی شود. حفظ استحکام و بنیان خانواده نیز اقتضا می‌کند تا چنین شرطی که ناظر به یکی از امور فرعی در بستر خانواده است را از شمول شروط باطل و مبطل جدا کنیم و جزء شروط صحیح یا صرفاً باطل قلمداد نماییم.

با مذاقه در مواد ۲۳۲ و ۲۳۴ قانون مدنی درمی‌یابیم که شرط الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش و آرایش تحت شرایطی می‌تواند جزء شروط صحیح و تحت شرایطی دیگر جزء شروط صرفاً باطل قرار گیرد.

بنا به اصل صحت، شایسته است این شرط را شرط صحیح تلقی کنیم. ماهیت این شرط به شرط فعل نیز نزدیک‌تر است. بر اساس تعریف ماده ۲۳۴ قانون مدنی، شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملان یا بر شخص خارجی شرط شود.

در اینجا نیز زوجه متعهد می‌شود تا پوشش خود را مطابق نظر زوج انتخاب کند؛ این تعهد هم می‌تواند در قالب فعل و هم ترک فعل انجام شود.

چنانچه شرط پیش‌گفته را شرط فعل بدانیم، ضمانت اجرای تخلف از آن طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی، الزام مشروط‌علیه (زوجه) به وفای عهد از جانب دادگاه است. از آنجاکه نقض شرط ضمن عقد الزام زوجه به اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش، نوعی نقض تعهد منفی مستمر است، اجرای ضمانت اجرای مندرج در ماده ۲۳۷ قانون مدنی امکان‌پذیر است (بیات، ۱۴۰۰، ص ۲۲۲). باید توجه داشته باشیم که این شرط از جمله شروطی است که قائم به شخص مشروط‌علیه است و فرد دیگری جز زوجه نمی‌تواند آن را انجام دهد؛ از این رو ماده ۲۳۹ قانون مدنی پیش‌بینی کرده است که اگر اجبار مشروط‌علیه ممکن نبود و شرط نیز از سوی دیگری انجام‌شدنی نباشد، طرف مقابل حق فسخ خواهد داشت (صفایی، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۲۱۰). اما شایان ذکر است که ضمانت اجرای فسخ در خصوص عقد نکاح، امری استثنایی و نیازمند تصریح قانون‌گذار است و در اینجا تنها می‌توان حق مطالبه خسارت را برای مشروط‌له به رسمیت شناخت.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ممکن است تحت شرایطی شرط پیش‌گفته شرط صرفاً باطل قلمداد شود. ماده ۲۳۲ قانون مدنی شرط غیرمقدور، شرط نامشروع و شرطی که فایده و نفع عقلایی ندارد را جزء شروط باطل برشمرده است. گاه زوج با در نظر گرفتن شرط ضمن عقد فوق، اصولی را درباره پوشش همسرش وضع می‌کند که انجام آن در عمل غیرممکن است؛ برای مثال اگر زوجین در کشوری زندگی کنند که استفاده از برقع برای زنان ممنوع باشد و زوج خواستار حضور همسرش با برقع در جامعه باشد، به دلیل غیرمقدور بودن انجام آن، این شرط باطل شمرده می‌شود.

همچنین ممکن است زوج همسرش را به انتخاب پوشش‌هایی ملزم کند که خلاف شرع هستند و عفت زوجه را لکه‌دار می‌کنند؛ در این حالت نیز شرط پیش‌گفته به دلیل

نامشروع بودن باطل محسوب می شود. شرطی که خلاف قانون، کتاب و سنت یا اخلاق حسنه باشد را بایستی نامشروع و باطل تلقی کنیم. درواقع باید توجه داشته باشیم که قاعده «المؤمنون عند شروطهم» منوط به این شده است که موجب تحریم حلال یا تحلیل حرامی نگردد (میوه یان، ۱۳۹۷ هـ. ش، ص ۲۱۵ - ۲۱۷).

۳-۲-۲. بررسی تکلیف یا حق بودن ماهیت اطاعت زوجه از شوهر در انتخاب نوع پوشش

به منظور بررسی این موضوع شایسته است حقوق و تکالیف زوجین را بررسی کنیم تا دریابیم که آیا اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش از تکالیف زوجه و حقوق زوج است یا خیر؟ ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در بیان حقوق و تکالیف زوجین در برابر یکدیگر، ریاست خانواده را از ویژگی های شوهر می داند. طبیعتاً خانواده نیز چون هر اجتماعی نیازمند رئیسی است تا زعامت آن را عهده دار شود و آن را رهبری کند. ریاست خانواده امتیازی نیست که قانون گذار برای شوهر در نظر گرفته باشد، بلکه تکلیف و وظیفه ای اجتماعی است که به دلیل ویژگی های جسمی و روحی مردان بر عهده شوهر قرار گرفته است (روشن، ۱۴۰۰، ص ۱۵۶). حقوق دانان ریاست شوهر بر خانواده را دارای آثار و نتایج گوناگونی دانسته اند و مواردی چون لزوم تمکین زن از شوهر، تکلیف شوهر به پرداخت نفقه زن و فرزندان، اختیار مرد در تعیین مسکن و ولایت قهری پدر بر فرزندان را از جمله آثار ریاست مرد بر خانواده دانسته اند (صفایی و امامی، ۱۳۹۸ هـ. ش، ص ۱۴۴). با این حال هیچ یک از حقوق دانان نه تنها تعیین تکلیف در خصوص پوشش زوجه و لزوم اطاعت زن از شوهر در این باره را آثار ریاست شوهر بر خانواده ذکر نکرده اند، بلکه ریاست شوهر بر خانواده را صرفاً منحصر به اداره امور خانواده دانسته اند و شوهر را از اعمال نظرات غیر معقول و غیر منطقی در بستر خانواده منع کرده اند (روشن، ۱۴۰۰ هـ. ش، ص ۱۵۷). بنابراین مسئله اطاعت از شوهر درباره انتخاب نوع پوشش در بستر ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی توجیه پذیر و تفسیر شدنی نیست.

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی حسن معاشرت را یکی از تکالیف مشترک زوجین بیان کرده است. حسن معاشرت مصادیق گسترده‌ای دارد؛ پرهیز از هرگونه سوءرفتار، عشق ورزی و محبت به یکدیگر و سکونت در منزل مشترک را می‌توان مصادیقی از حسن معاشرت معرفی کرد (روشن، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۱۵۱). از آنجاکه ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی خود مصادیق حسن معاشرت را بیان نکرده است، امکان تفسیر این ماده وجود دارد؛ از این رو می‌توان گفت زوجه با اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش و آرایش خود و با در نظر گرفتن سلاقی همسر خود در این باره موجب می‌گردد تا رابطه زوجین گرم‌تر و صمیمی‌تر شود، میل و رغبت آن دو در برابر یکدیگر و عشق ورزی آنان بیشتر گردد؛ در نتیجه محیط خانواده از هرگونه سوءرفتار و آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. البته باید توجه داشت که رعایت عفاف از سوی هر کدام از زوجین موجب تحکیم بنیان خانواده می‌گردد و شایسته است مردان نیز در برابر نظر همسرشان در خصوص پوشش و آراستگی خود توجه کنند.

نقض ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی از طرف هر کدام از زوجین ضمانت اجرا به دنبال دارد؛ از این رو چنانچه زوجه از تکلیف حسن معاشرت خودداری کند، ناشزه محسوب می‌شود و نفقه وی قطع می‌گردد. بنابراین اگر اطاعت زوجه از شوهر را در انتخاب نوع پوشش و آرایش، مصداق حسن معاشرت بدانیم، نقض آن موجب نشوز زن و قطع نفقه وی می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۴۲). در این باره بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد؛ گروهی دیگر معتقدند که مصادیق نشوز زن در فقه مشخص شده است و منحصر به مواردی است که زوجه از انجام یک امر واجب خودداری نماید (روشن، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۱۵۳). بنابراین اطاعت از شوهر در انتخاب نوع پوشش و آرایش امر واجب نیست که به دلیل ترک آن زوجه ناشزه محسوب شود و مستحق ترک انفاق قرار گیرد.

به نظر می‌رسد نظر دوم با بحث‌هایی که پیش‌تر بیان شد، سازگارتر است؛ زیرا اشاره شده است که خداوند پس از بیان حدود پوشش برای زنان، انتخاب نوع حجاب را بر عهده زن قرار

داده است و کسی قادر به اجبار وی نیست. در نتیجه می‌توان گفت این موضوع امری فرعی محسوب می‌شود و نمی‌توانیم به استناد یک موضوع فرعی زن را از حق نفقه محروم کنیم.

نتیجه

حقوق و تکالیف قانونی زوجین در فقه و قانون مشخص و معین شده است. الزام زوجه به اطاعت از شوهر در نوع پوشش نه از تکالیف زوجه و نه از حقوق زوج محسوب نمی‌شود؛ با این حال زوجین می‌توانند این توافق را در قالب شرط ضمن عقد نکاح بگنجانند. این شرط نه از شروط باطل و نه از شروط باطل و مبطل عقد نکاح محسوب می‌شود، بلکه وفق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی شرطی صحیح و لازم‌الاتباع است.

با توجه به صحت این شرط، نقض آن از طرف مشروط علیه (زوجه) ضمانت اجرا به دنبال خواهد داشت. از آنجاکه این شرط، شرط فعل محسوب می‌گردد، ضمانت اجرای آن در گام نخست، الزام مشروط علیه (زوجه) به وفای عهد است. این امر در حالی است که در عمل الزام زوجه به رعایت این شرط از طرف دادگاه نیز چندان امکان‌پذیر نیست.

اگر الزام مشروط علیه به وفای به عهد ممکن نباشد، ماده ۲۳۹ قانون مدنی ضمانت اجرای حق فسخ را برای مشروط له در نظر گرفته است. این ضمانت اجرا در خصوص عقد نکاح چندان صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا فسخ نکاح به دلیل مغایرت با اصل اسنحکام خانواده، امری استثنایی است و نیازمند تصریح قانون‌گذار است؛ به همین دلیل شایسته است ضمانت اجرای نقض این شرط را تحقق مسئولیت مدنی برای ناقض آن بدانیم؛ زیرا مشروط علیه با پذیرش این شرط، همه آثار آن را نیز پذیرفته است و طبیعی است که در قبال هر تخلفی برای فرد مسئولیت مدنی ایجاد گردد.

آنچه در عرف جامعه مشاهده می‌شود، این است که در اغلب موارد زوجین پیش از عقد ازدواج درباره شیوه پوشش زوجه پس از ازدواج با یکدیگر توافق می‌کنند و این توافقات در

داخل عقد نکاح وارد نمی‌گردد؛ چراکه خانواده بستری است که عاطفه و اخلاق بیشتر از حقوق در آن حاکمیت دارد. در خانواده بیش از آنکه وجود عدالت ضرورت داشته باشد، نیاز است اعضای خانواده فداکاری و غیرخواهی را سرلوحه کار خود و رفتار با دیگر اعضا قرار دهند. بنابراین شایسته است زوجین نظر یکدیگر را در انتخاب نوع پوشش خود مدنظر داشته باشند تا همواره عاطفه و اخلاق بر بستر خانواده حاکمیت داشته باشد و روابط میان زوجین گرم و صمیمانه باقی بماند.

در این راستا توجه به این حقیقت ضروری است که هر زن مسلمانی ملزم به رعایت حدود شرعی حجاب است و اطاعت از شوهر مبنی بر ترک حجاب شرعی، خواه در قالب شرط ضمن عقد نکاح و خواه در قالبی غیر آن بر زن واجب نیست. از طرف دیگر شوهر نیز نبایستی با سخت‌گیری افراطی در خصوص پوشش و حجاب همسرش، این موضوع را به دستاویزی برای محدود کردن همسرش تبدیل کند. به هر حال زن از حیثیت انسانی و آزادی طبیعی برخوردار است و فلسفه رعایت حجاب هیچ‌گاه سلب آزادی طبیعی و حیثیت انسانی از زن نبوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ: پس آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود آورد [و به خوردن درخت ممنوعه نزدیک کرد]، هنگامی که از آن درخت چشیدند، شرمگاه بدنشان بر دو نفرشان نمایان شد و هر دو دست به کار چسبانیدن برگ [درختان] بهشت به خود شدند؛ و پروردگارشان بر آن دو بانگ زد: آیا من شما را از آن درخت نهی نکردم، و به شما نگفتم بی‌تردید شیطان برای شما دشمنی آشکار است».

۲. «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ: ای فرزندان آدم، برای شما لباس فروفرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست و لباس تقوا بهتر است. این آیت خداوند است، باشد که متذکر شده و پند گیرید».

۳. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا: ای همسران پیامبر، شما اگر پرهیزکاری پیشه کنید، [از نظر منزلت و موقعیت] مانند هیچ یک از زنان نیستید؛ پس در گفتار خود نرمی و طنازی [چنان که عادت بیشتر زنان است] نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است، طمع و سخن پسندیده و شایسته گویند».

۴. «... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ... و زمانی که از همسرانش متاعی خواستید، از پشت پرده و حجابی از آنان بخواهید ...».

۵. «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: و بر زنان ازکار افتاده ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند؛ در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و خدا شنوا و داناست».

کتاب نامه

قرآن کریم

احتسابی، فاطمه. (۱۳۸۸ ه. ش). «حجاب: تعادل اجتماعی، کمال فردی». در: گفتارهایی در باب حجاب. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

اسعدی، سید حسن. (۱۳۹۱ ه. ش). حقوق زن: پژوهشی تطبیقی درباره حقوق زن. تهران: نشر میزان.
امینی، علیرضا؛ و سید محمد رضا آیتی. (۱۴۰۰ ه. ش). تحریر الروضه فی شرح اللمعه. ج ۲. تهران و قم: کتاب طه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

باباپور، محمد مهدی؛ سید میر قاسم حسینی؛ و محمد مهدی حق پرست. (۱۳۹۰ ه.ش). «بررسی شروط خلاف مقتضی ذات عقد نکاح». فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی. ش ۲۳. ص ۶۹-۸۵.

بیات، فرهاد؛ و شیرین بیات. (۱۴۰۰ ه.ش). شرح جامع قانون مدنی. تهران: انتشارات ارشد.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۷ ه.ش). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

حکمت نیا، محمود. (۱۳۹۰ ه.ش). حقوق زن و خانواده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و انتشارات اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی، «پاسخ به سؤالات شرعی مخاطبان درباره احکام پوشش و آرایش» [یادداشت وبلاگ]، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33330>.

خدادادی سنگده، جواد؛ و خدابخش احمدی. (۱۳۹۴ ه.ش). «نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان؛ مطالعه‌ای ملی». فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. ش ۳۳. ص ۷-۲۱.

خمینی، سید روح‌الله، «استفتائات امام خمینی (س) (جلد نهم)» [یادداشت وبلاگ]، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۸/۲؛ در:

<http://www.imam-khomeini.ir>.

داعی پور، پروین. (۱۳۸۸ ه.ش). «حجاب به مثابه یک رفتار». در: گفتارهایی در باب حجاب. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

درزی، مهرانه؛ محمد جعفری هرنندی؛ و محمد صادق موسوی. (۱۳۹۸ ه.ش). «تأثیر عرف بر احکام حجاب و پوشش زنان مسلمان». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. ش ۵۵. ص ۷۵-۹۶.

دیانی، عبدالرسول. (۱۳۸۷ ه.ش). حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.

روشن، محمد. (۱۴۰۰ ه.ش). حقوق خانواده. تهران: انتشارات جنگل.

شهیدی، مهدی. (۱۳۸۵ ه.ش). حقوق مدنی (شروط ضمن عقد). ج ۴. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

صفایی، سید حسین. (۱۳۹۷ ه.ش). دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). تهران: نشر میزان.

- صفایی، سیدحسین؛ و اسدالله امامی. (۱۳۹۸ ه.ش). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
- قافی، علی. (۱۳۸۸ ه.ش). «جواز الزام رعایت به حجاب». در: گفتارهایی در باب حجاب. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷ ه.ش). قواعد عمومی قراردادها. ج ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۹ ه.ش). قواعد فقه بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳ ه.ش). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. «حجاب بانوان» [یادداشت وبلاگ]، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۸/۲؛ در: <https://makarem.ir>.
- مهدوی کنی، صدیقه. (۱۳۹۲ ه.ش). «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام». دوفصلنامه علمی و ترویجی فقه و حقوق خانواده. ش ۵۸. ص ۱ - ۲۷.
- میوه‌یان، میلاد. (۱۳۹۷ ه.ش). «بررسی و تحلیل شروط نامشروع در حقوق موضوعه ایران». فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار. ش ۷. ص ۲۰۱ - ۲۲۵.
- نجفی خوانساری، شیخ موسی. (۱۴۱۸ ه). منیة الطالب فی شرح المکاسب. ج ۱. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابع لجماعة المدرسين.

References

A. Scriptures

The Holy Qur'an.

B. Other sources

Amīnī, 'Alīrizā, and Sayyid Muḥammad Rizā Āyatī. 1400 Sh. *Tahrīr al-Rawḍah fī Sharḥ al-Lum'ah* [The Redaction of al-Rawḍah in the Commentary on al-Lum'ah]. Vol. 2. Tehran and Qom: Kitāb-i Tāhā and Sāzmān-i Muṭāla'ah va Tadwīn-i Kutub-i 'Ulūm-i Insānī-yi Dānishgāhā (SAMT).

- As'adī, Sayyid Ḥasan. 1391 Sh. *Ḥuqūq-i Zan: Pazhūhishī Taṭbīqī dar Bārah-i Ḥuqūq-i Zan* [Women's Rights: A Comparative Study on Women's Rights]. Tehran: Nashr-i Mizān.
- Bābāpūr, Muḥammad Mahdī, Sayyid Mīrḡāsim Ḥusaynī, and Muḥammad Mahdī Ḥaqqparast. 1390 Sh. "Barrisī-yi Shurūṭ-i Khilāf-i Muqtazī-yi Zāt-i 'Aqd-i Nikāḥ" [An Examination of Conditions Contrary to the Essential Requisites of the Marriage Contract]. *Faṣlnāmah-i Takhasṣuṣī-yi Fiqh va Mabānī-yi Ḥuqūq-i Islāmī* [Specialized Quarterly Journal of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law], no. 23: 69–85.
- Bayāt, Farhād, and Shīrīn Bayāt. 1400 Sh. *Sharḥ-i Jāmi'-i Qānūn-i Madanī* [Comprehensive Commentary on the Civil Code]. Tehran: Intishārāt-i Arshad.
- Dā'īpūr, Parvīn. 1388 Sh. "Ḥijāb bih Masaba-'ī Yik Raftār" [Hijab as a Form of Conduct]. In *Goftārḥā-yī dar Bāb-i Ḥijāb* [Discourses on Hijab]. Tehran: Pazhūhishkadah-i Muṭāla'āt-i Farhangī va Ijtimā'ī.
- Darzī, Mehrānāh, Muḥammad Ja'far Harandī, and Muḥammad Ṣādiq Mūsavī. 1398 Sh. "Tāthīr-i 'Urf bar Ahkām-i Ḥijāb va Pūshish-i Zanān-i Musalmān" [The Influence of Custom on the Rulings Concerning Hijab and the Dress of Muslim Women]. *Faṣlnāmah-i Pazhūhishhā-yi Fiqh va Ḥuqūq-i Islāmī* [Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Legal Research], no. 55: 75–96.
- Dayyānī, 'Abd al-Rasūl. 1387 Sh. *Ḥuqūq-i Khānivādah* [Family Law]. Tehran: Nashr-i Mizān.
- Eḥtesābī, Faṭīmah. 1388 Sh. "Ḥijāb: Ta'ādul-i Ijtimā'ī, Kamāl-i Fardī" [Hijab: Social Balance, Individual Perfection]. In *Goftārḥā-yī dar Bāb-i Ḥijāb* [Discourses on Hijab]. Tehran: Pazhūhishkadah-i Muṭāla'āt-i Farhangī va Ijtimā'ī.
- Ḥikmatniyā, Maḥmūd. 1390 Sh. *Ḥuqūq-i Zan va Khānivādah* [Women's and Family Rights]. Tehran: Pazhūhishgāh-i Farhang va Intishārāt-i Islāmī.
- Ja'farī Langanrūdī, Muḥammad Ja'far. 1397 Sh. *Termīnūlūzhī-yi Ḥuqūq* [Legal Terminology]. Tehran: Intishārāt-i Ganj-i Dānish.
- Kātūziyān, Nāṣir. 1387 Sh. *Qavā'id-i 'Umūmī-yi Qarārdādhā* [General Rules of Contracts]. Vol. 1. Tehran: Shirkat-i Sihāmī-yi Intishār.
- Khamenei, Sayyid 'Alī. "Pāsukh bih Su'ālāt-i Shar'ī-yi Mukhāṭabān dar Bārah-i Ahkām-i Pūshish va Ārāyish" [Response to Viewers' Religious Questions Concerning Rulings on Dress and Makeup] [Blog post]. Accessed 13 Dey 1401 Sh. [3 January 2023]. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33330>

- Khodādādī Sangdeh, Javād, and Khudābakhsh Ahmadi. 1394 Sh. “Naqsh-i ‘Awāmil-i Farhangī va Rasānah-’ī dar Pīshbīnī-yi Hījāb-i Zanān; Muṭāla‘ah-’ī Millī” [The Role of Cultural and Media Factors in Predicting Women’s Hijab: A National Study]. *Faṣlnāmah-’i Farhangī-Tarbīyātī-yi Zanān va Khānivādah* [Cultural-Educational Quarterly of Women and Family], no. 33: 7–21.
- Khomeini, Sayyid Rūḥullāh. “Istiftā’āt-i Imām Khomeinī (s)” [The Legal Rulings (Istiftā’āt) of Imam Khomeini], vol. 9 [Blog post]. Accessed 2 Ābān 1401 Sh. [24 October 2022]. <http://www.imam-khomeini.ir>
- Mahdavi-Kanī, Šiddīqah. 1392 Sh. “Uṣūl-i Ḥākim bar Ravābiṭ-i A‘zā-yi Khānivādah dar Niẓām-i Ma‘rifatī-yi Islām” [Principles Governing Family Members’ Relationships in the Epistemological System of Islam]. *Dūfaṣlnāmah-’i ‘Ilmī va Tarvījī-yi Fiqh va Ḥuqūq-i Khānivādah* [Biannual Scientific-Propagatory Journal of Jurisprudence and Family Law], no. 58: 1–27.
- Makārim Shīrāzī, Nāšir. “Hījāb-i Bānuvān” [Women’s Hijab] [Blog post]. Accessed 2 Ābān 1401 Sh. [24 October 2022]. <https://makarem.ir>
- Mīvehyān, Milād. 1397 Sh. “Barrisī va Taḥlīl-i Shurūṭ-i Nāmashrū‘ dar Ḥuqūq-i Mawzū‘ah-’i Īrān” [An Examination and Analysis of Unlawful Conditions in Iranian Positive Law]. *Faṣlnāmah-’i ‘Ilmī-Ḥuqūqī-yi Qānūnyār* [Scientific-Legal Quarterly of Law Supporter], no. 7: 201–225.
- Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 1399 Sh. *Qavā‘id-i Fiqh: Bakhsh-i Madanī* [Jurisprudential Rules: Civil Section]. Tehran: Markaz-i Nashr-i ‘Ulūm-i Islāmī.
- Muṭahharī, Murtaẓā. 1393 Sh. *Mas‘alah-’i Hījāb* [The Issue of Hijab]. Tehran: Intishārāt-i Šadrā.
- Najafī Khwānsārī, Shaykh Mūsā. 1418 AH. *Muniyyat al-Ṭālib fī Sharḥ al-Makāsib* [The Aspiration of the Seeker in the Commentary on al-Makāsib]. Vol. 1. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī al-Ṭabī‘ah li-Jamā‘at al-Mudarrisīn.
- Qāfī, ‘Alī. 1388 Sh. “Javāz-i Ilzām-i Ri‘āyat bih Hījāb” [The Permissibility of Enforcing Compliance with Hijab]. In *Gofārḥā-yī dar Bāb-i Hījāb* [Discourses on Hijab]. Tehran: Pazhūhishkadeh-’i Muṭāla‘āt-i Farhangī va Ijtimā‘ī.
- Rowshan, Muḥammad. 1400 Sh. *Ḥuqūq-i Khānivādah* [Family Law]. Tehran: Intishārāt-i Jangal.
- Šafā‘ī, Sayyid Ḥusayn, and Asadullāh Imāmī. 1398 Sh. *Mukhtaṣar-i Ḥuqūq-i Khānivādah* [Abridged Family Law]. Tehran: Nashr-i Mīzān.

Şafā'ī, Sayyid Ḥusayn. 1397 Sh. *Dawrah- 'i Muqaddamātī 'i-yi Ḥuqūq-i Madanī (Qavā'id-i 'Umūmī-yi Qarārdādhā)* [Introductory Course on Civil Law: General Rules of Contracts].

Tehran: Nashr-i Mīzān.

Shahīdī, Mahdī. 1385 Sh. *Ḥuqūq-i Madanī (Shurūṭ-i Ḍimn-i 'Aqd)* [Civil Law: Conditions Implicit in Contracts]. Vol. 4. Tehran: Majma' -i 'Ilmī va Farhangī-yi Majd.